



بررسی محتوایی احادیث حضور اهل بیت علیهم السلام در هنگامه ی احتضار و نقد برخی از دیدگاه ها

پدیدآورده (ها) : اسماعیلی، محمدکاظم
فلسفه و کلام :: امامت پژوهی :: زمستان 1393، سال چهارم - شماره 4
از 85 تا 118

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1121684>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 20/09/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

بررسی محتوایی احادیث حضور اهل بیت علیهم السلام در هنگامه احتضار و نقد برخی از دیدگاه‌ها*

فصلنامه امامت پژوهی

سال چهارم، شماره چهارم

صفحه ۸۵-۱۱۷

[محمد کاظم اسماعیلی^۱]

چکیده

احادیث حضور اهل بیت علیهم السلام در هنگامه احتضار، در حجم گسترده‌ای از میراث مکتوب امامیه انعکاس یافته و سند آن‌ها در نگاه بسیاری از دانشمندان امامیه معتبر است و در گونه شناسی احادیث، در دسته «متواتر معنوی» طبقه‌بندی می‌شوند؛ اما از دیرباز درباره محتوای این احادیث، دیدگاه‌های ناهمگونی وجود داشته است که نمونه آن را در اتخاذ رویکرد تأویلی به این روایات توسط شیخ مفید و سید مرتضی علیهما السلام می‌توان یافت. بررسی محتوای احادیث احتضار می‌تواند در برداشت صحیح از آن‌ها که از سویی بیان‌گر نتایج فراوان برای محتضر و از سویی دیگر، نشان‌گر منزلت پیشوایان شیعه است، مفید واقع شود.

در این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، با استناد به تصریح واژگان موجود در روایات و شواهد ارائه شده، مشاهده و حضور اهل بیت علیهم السلام در هنگامه احتضار مؤمن و کافر، ثابت گردیده و دیدگاه‌های دیگر نقد و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: احتضار، محتضر، حضور اهل بیت علیهم السلام، مقامات امام، مشاهده امام.

* تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۰۱، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۷.

۱. دانش آموخته درس خارج حوزه علمیه قم، فارغ التحصیل مرکز تخصصی امامت اهل بیت علیهم السلام

AK.esmaeili@gmail.com

۱- درآمد

بر اساس آیات و روایات، در هنگام احتضار، رویدادهای بسیاری رخ می‌دهد؛ از جمله: رسیدن جان به گلو،^۱ جمع شدن ساق‌ها،^۲ حضور ملک الموت و فرشتگان برای گرفتن جان،^۳ تمثّل مال، اهل و عمل محتضر در برابر دیدگانش^۴ و...؛ یکی دیگر از این رخدادها، حضور اهل بیت علیهم‌السلام در هنگامه احتضار است که احادیث آن در منابع گران سنگ حدیثی به وفور یافت می‌شود.

دلالت روایات ناظر به حضور، از پرسش‌هایی است که همواره مطرح بوده و از مباحث چالش برانگیز در تفکر کلامی و حدیثی امامیه است که دیدگاه‌های متفاوتی را در پی داشته است؛ از جمله، دیدگاه شیخ مفید و سید مرتضی رحمتهما، دو متکلم مدرسه بغداد که ظاهر روایات را به دیدن ثمره ولایت یا نتیجه دشمنی با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علیه‌السلام تأویل نموده‌اند.

با توجه به حجم گسترده احادیث حضور اهل بیت علیهم‌السلام که از جهتی بیان‌گر نتایج فراوان برای شخص محتضر و از جانبی نشان‌گر منزلت پیشوایان شیعه در عالم پس از مرگ است،^۵ روشن شدن دیدگاه صواب در برداشت صحیح از احادیث و در عدم پذیرش بی‌چون و چرای اقوال علمای پیشین در تفسیر این روایات، از اهمیت به سزایی برخوردار خواهد بود.

۱. قیامت / ۲۶.

۲. قیامت / ۲۹.

۳. سجده / ۱۱؛ نحل / ۲۸ و ۳۲؛ انعام / ۹۳.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ۳/ ۲۳۱، باب أنّ المیت یمثل له ماله و ولده و عمله قبل موته، ح ۱.

۵. بحث از اعتبار سنجی روایات، پیامدهای حضور اهل بیت علیهم‌السلام برای شخص محتضر و مقاماتی که از این روایات برای اهل بیت علیهم‌السلام ثابت می‌شود در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد نگارنده، به تفصیل بررسی شده است. (رک: اسماعیلی، محمدکاظم، بررسی سندی و متنی روایات حضور اهل بیت علیهم‌السلام در حالت احتضار با تأکید بر مقامات اهل بیت علیهم‌السلام، نصیری، علی و شانه چی، حسین، بنیاد امامت، ۱۳۹۴ ش).

پیشینه بررسی‌هایی که به صورت خاص و تک‌نگاره به بحث حضور اهل بیت علیهم‌السلام در هنگامه احتضار پرداخته باشد - بنا بر کاوش نگارنده - تنها به قرن هشتم هجری و کتاب المحتضرفی اثبات حضور النبی والأئمة علیهم‌السلام عند المحتضرا از حسن بن سلیمان حلّی رحمته‌الله بازمی‌گردد. گرچه رویکرد کتاب، اثبات حضور پیامبر و امامان علیهم‌السلام نزد محتضرو نقد دیدگاه شیخ مفید رحمته‌الله است، اما نویسنده گاه از موضوع خارج گشته و به گزارش‌هایی که در فضائل و مناقب امامان علیهم‌السلام و دشمنی با دشمنان آن‌ها وارد شده، پرداخته است.

به طور کلی با توجه به محدود بودن نگاشته‌ها و ضعف‌های تنها اثر موجود و همچنین نبود رویکرد تحلیلی، نوشتار حاضر در صدد جبران این کاستی‌ها است. در این اثر، نخست با رویکردی توصیفی - تحلیلی، گونه‌ها و تعابیر احادیث ناظر به حضور ارائه شده و اعتبار سندی آن‌ها ثابت خواهد شد؛ آنگاه با نقد دیدگاه‌های مخالف، حضور اهل بیت علیهم‌السلام در هنگام احتضار، به اثبات می‌رسد.

لازم به ذکر است که هنگامه ورود و استقرار یافتن مرگ را «احتضار»^۲ و کسی که مُشرف بر مرگ شده و در حالت جان دادن است را «محتضر»^۳ گویند؛^۴ و مقصود از اهل بیت علیهم‌السلام در پژوهش حاضر با توجه به آیه تطهیر، پیامبر اکرم، امیر مؤمنان، حضرت فاطمه و حسنین^۴ و دیگر امامان شیعه علیهم‌السلام هستند.^۵

۱. حسن بن سلیمان حلّی محدّث و فقیه شیعی قرن هشتم و از شاگردان شهید اول است.

۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲/۲۴۰.

۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث، ۱/۴۰۰؛ فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ۲/۱۴۰.

۴. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ۱۶/۳۱۲.

۵. هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد علیهم‌السلام، ۲/۴۶۶؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۴۲۳، باب فیه نکت و نتف من التنزیل، ح ۵۴؛ بحرانی، سیّد هاشم، البرهان، ۴/۴۴۲ و ۵/۵۰۲.

۲- نگاهی به گونه‌ها و تعابیر احادیث احتضار

پیش از بررسی دیدگاه‌ها، آشنایی با گونه‌های مختلف احادیث احتضار، لازم و ضروری است.

در برخی از احادیث حضور اهل بیت علیهم‌السلام در هنگامه احتضار، گرچه گاه تنها به افرادی خاص بشارت دیدار و حضور داده شده،^۱ اما در دسته‌ای دیگر از این روایات، از حضور یافتن اهل بیت علیهم‌السلام به صورت عام خبر داده شده و فرد خاصی مخاطب قرار نگرفته است.^۲ همچنین گرچه برخی از این احادیث، بر حضور ائمه علیهم‌السلام بر بالین مؤمنان اختصاص دارد،^۳ ولی دسته دیگر، حضور یا مشاهده ایشان را از سوی کافران نیز پوشش می‌دهد؛^۴ از این رو حضور یا رؤیت اهل بیت علیهم‌السلام در هنگامه احتضار، برای همه مؤمنان و کافران رخ می‌دهد.^۵

در بررسی روایات ناظر به احتضار، با پنج دسته کلی که به ترتیب بر حضور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،^۶ امیرالمؤمنین علیه‌السلام،^۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرمؤمنان علیه‌السلام با یکدیگر،^۸

۱. مانند روایتی که در آن امیرمؤمنان علیه‌السلام چنین بشارتی را به حارث همدانی دادند. (طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۴۸؛ طبری، محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی، ۲/۷۳). ابن ابی الحدید پس از نسبت این شعر به شیعه می‌گوید: «در صورت صدور این گفتار، سخن منکری نیست». پس از آن دلیلی قرآنی را بر صحت این اعتقاد ارائه می‌کند. (ر.ک: ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغة، ۱/۲۹۹).

۲. کوفی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۴، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۱۲۸، باب ما یعاین المومن و الکافر، ح ۱؛ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۶۲۸.

۳. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۱-۸۵، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۱۹ و ۲۲۵ و ۲۲۹.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۱۳۱ و ۱۳۴، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۳ و ۹.

۵. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۴، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۴؛ برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/۱۷۵، باب الاغتباط عند الوفاة، ح ۱۵۶؛ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۶۲۸.

۶. کوفی، حسین بن سعید، همان، ص ۸۳، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۱.

۷. طوسی، محمد بن حسن، همان، ۴۸؛ طبری، محمد بن ابی القاسم، همان، ۲/۷۳.

۸. برقی، احمد بن محمد، همان، ۱/۱۷۶، باب الاغتباط عند الوفاة، ح ۱۵۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۱۲۹، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۱.

خمسۀ طیبه علیہ السلام^۱ و تمامی اهل بیت علیہم السلام^۲ تصریح می‌کنند، رویاروی می‌شویم.^۳ همچنین واژگان به کار رفته در این روایات، در بررسی دیدگاه‌ها تأثیر به‌سزایی دارد. به سه دسته از این واژگان اشاره می‌کنیم:

۱- واژگانی که جهت حضور اهل بیت علیہم السلام را بیان می‌کنند؛ مانند روایاتی که با واژه «امامک» نقل شده‌اند:^۴

پیش روی تو رسول الله صلی الله علیه و آله، علی و ائمه علیہم السلام است.^۵

۲- الفاظی که مکان حضور اهل بیت علیہم السلام را گزارش می‌کنند:^۶

رسول الله در کنار سراو و علی علیه السلام پیش پای او می‌نشینند؛ در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را در آغوش می‌گیرد و با او سخن می‌گوید.^۷

و در برخی روایات، مکان نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله در سمت راست محتضر و امیر

۱. طوسی، محمد بن حسن، همان، ۶۲۸.

۲. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۴، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۴.

۳. در برخی از روایات به حضور پیامبران الهی (صدوق، محمد بن علی، الامالی، ۳۱۹) از جمله حضرت ابراهیم علیه السلام (کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۵، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۹) بر بالین محتضر اشاره شده است؛ ولی از آن رو که از موضوع مقاله خارج است، به آن‌ها نمی‌پردازیم.

۴. روایات ناظر به بیان جهت حضور اهل بیت علیہم السلام، به گونه‌های دیگری نیز در منابع حدیثی انعکاس یافته است: (رک: برقی، احمد بن محمد، همان، ۱/۱۷۴ و ۱۷۵، باب الاعتباط عند الوفاة، ح ۱۵۲، ۱۵۵ و ۱۵۶. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۵، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۱۳۴، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۱۰).

۵. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۴، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۴.

۶. از روایات چنین برمی‌آید که حضور اهل بیت علیہم السلام برای همه مؤمنان اتفاق می‌افتد، اما با توجه به شأن و رتبه مؤمنان، نوع این حضور متفاوت است؛ برای برخی تنها حضور و بشارت است؛ برای بعضی اظهار لطف و مهربانی اهل بیت علیہم السلام را نیز در پی دارد؛ و گروهی نیز که از رتبه بالایی برخوردارند، از سوی اهل بیت علیہم السلام در آغوش گرفته می‌شوند.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۱۲۸، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۱.

مؤمنان علیهم السلام در سمت چپ او، ترسیم شده است.^۱

۳- واژگانی که بر اصل حضور ناظر است؛ این دسته گاه با واژه «حضر» انعکاس یافته است:

در هنگامه احتضار، رسول الله صلی الله علیه و آله، ائمه، علی علیه السلام، جبرئیل و ملک الموت حاضر می‌گردند. در این صورت اگر محتضر مؤمن باشد سفارش او را به ملک الموت می‌کنند تا با او مدارا کند و به آسانی جان او را بگیرد، اما در صورتی که کافر باشد ملک الموت را بر سخت‌گیری بر او سفارش می‌کنند.^۲

این احادیث گاه با الفاظی که بر آمدن اهل بیت علیهم السلام در کنار محتضر دلالت دارند، گزارش شده است:

زمانی که جان به گلو می‌رسد پیامبر خدا، علی علیه السلام جبرئیل و ملک الموت نزد او می‌آیند.^۳

برخی دیگر با واژگان «أنظر» و «معاینه» انعکاس یافته‌اند:

به محتضر خطاب می‌شود: «نگاه کن! اینان رسول الله، علی، حسن و حسین علیهم السلام دوستان تو هستند».^۴ در این هنگام محتضر از شور و شوق می‌گیرد.^۵

از جمله الفاظ پرکاربرد دیگر در مجموع روایات، مشتقات واژه «رؤیت» است که به برخی از روایات آن اشاره می‌شود:

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «هیچ بنده‌ای مرا دوست ندارد و بر محبت من از دنیا نمی‌رود

۱. همان، ح ۲.

۲. همان، ح ۴.

۳. همان، ۳/۱۳۵، باب ما یعیّن المؤمن و الکافر، ح ۱۳؛ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۴۱۸؛ به همین مضمون: برقی، احمد بن محمد، همان، ۱/۱۷۵، باب الاغتباط عند الوفاة، ح ۱۵۷؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲/۱۲۵.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۱۳۵، باب ما یعیّن المؤمن و الکافر، ح ۵.

۵. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۳، باب ما یعیّن المؤمن و الکافر، ح ۲۲۱.

مگر آن که هنگام مرگ مرا می بیند»؛^۱ آن حضرت شبیه این گفتار را به حارث الاعور فرمود.^۲

امام صادق علیه السلام درباره زمان احتضار یکی از فرزندان سابور که دوستدار امیر مؤمنان علیه السلام بود، سه مرتبه فرمود: «به خدا قسم او را دیده است».^۳ و در روایتی دیگر درباره هنگامه احتضار خطاب جهنی که دشمن آل محمد علیهم السلام بود، دومرتبه فرمود: «به خدای کعبه او را دیده است».^۴

۳- اعتبار سنجی احادیث

ارزیابی سندی احادیث، امری ضروری است؛ زیرا تا زمانی که اعتبار آن‌ها ثابت نشود، بررسی دیدگاه‌های مختلف بی‌ثمر است.

بر اساس کاوش نگارنده، روایات حضور اهل بیت علیهم السلام دست‌کم از ۳۰ راوی در ۴۰ سند، گزارش شده است.^۵ این امر از اعتبار بالای احادیث ناظر به حضور اهل بیت علیهم السلام حکایت دارد؛ اما برای تحقق تواتر در روایات، شرایطی وجود دارد که به

۱. همان، ح ۲۲۲، کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۳۲/۳، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۵؛ به همین مضمون: ح ۸.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۹۲/۶، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۴۰.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۳۱/۳، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۳.

۴. همان، ح ۹.

۵. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۳-۸۶، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۱،

۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰؛ برقی، احمد بن محمد، همان، ۱۷۴/۱-۱۷۷،

باب الاغتباط عند الوفاة، ح ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰؛ کلینی،

محمد بن یعقوب، همان، ۱۲۸/۳-۱۳۵، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲، ۱، ۲، ۳، ۵،

۱۱، ۸، ۷، ۱۴، ۱۳، ۱۵، ۱۶؛ مفید، محمد بن محمد، الامالی، ۳؛ طوسی، محمد

بن حسن، الامالی، ۴۱۸؛ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ۳۱۸؛ طبری، محمد

بن ابی القاسم، همان، ۴/۲ و ۷ و ۷۳؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۰۰/۶؛ بحرانی،

سید هاشم، البرهان، ۲۷۴/۵؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ۱۰۵، ۱۱۶

و ۵۵۳.

دو شرط اساسی آن اشاره می‌شود: یکی استناد آگاهی مخبرین به حس^۱ و دیگری وجود تواتر در تمام طبقات.^۲

با توجه به کاربرد واژگانی مانند «قال»^۳، «سمع»^۴ و «سمعت»^۵ از سوی راویان، به آگاهی آنان از طریق حس پی می‌بریم؛ از این رو شرط اول تواتر در این روایات متحقق است. همچنین با کاوش در اسناد احادیث، دست‌کم سیزده طریق یافت می‌شود که راویان در هیچ‌یک از طبقات، همسان نیستند؛ عمده این طرق، در منابع معتبری همچون الزهد، المحاسن و الکافی یافت شوند.^۶ از این رو شرط دوم تواتر نیز حاصل می‌شود و در اصطلاح دانش حدیث، این اخبار «متواتر» خوانده می‌شوند.^۷ در نتیجه اسناد این

۱. آگاهی مخبرین به حس یعنی آنکه مخبرین از رهگذر حواس، هم چون دیدن یا شنیدن، از وقوع رخداد یا صدور گفتاری مطلع شده باشند، نه از مجموع شنیده‌ها و دیده‌های دیگران. (نصیری، علی، حدیث‌شناسی، ۳۲/۲)

۲. اگر شمار راویان در هر یک از طبقات اول، میانه یا آخر، به حدّ تواتر نرسد، این خبر متواتر نخواهد بود. (همان).

۳. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۳، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۲، ۲۲۶ و ۲۲۹؛ برقی، احمد بن محمد، همان، ۱/۱۷۴ و ۱۷۵، باب الاغتباط عند الوفاة، ح ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۱۳۴، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۱، ۱۳، ۱۲، ۲۵.

۴. همان، ۳/۱۳۴، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۸.

۵. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۳، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۰؛ برقی، احمد بن محمد، همان، باب الاغتباط عند الوفاة، ح ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۶۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ح ۳، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۴.

۶. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۱، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۱؛ برقی، احمد بن محمد، همان، ۱/۱۷۴، باب الاغتباط عند الوفاة، ح ۱۵۲؛ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ۳۱۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/۱۲۸، بابان المؤمن لایکره علی قبض روحه، ح ۲، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲، ۳، ۸، ۱۳؛ مفید، محمد بن محمد، الامالی، ۳، طبری، محمد بن ابی القاسم، همان، ۲/۶ و ۷۳.

۷. حدیث متواتر در اصطلاح، حدیثی است که شمار راویان آن در هر طبقه به حدّی باشد که عادتاً تبانی آنان بر دروغ محال باشد. (مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة، ۱/۸۹ و ۹۰) عموم

آخبار از بررسی توثیق و تضعیف راویان بی‌نیاز است.

از آن رو که الفاظ احادیث به گونه‌های مختلفی نقل شده و در اصل اثبات حضور معصومان علیهم‌السلام همسان‌اند، در گونه «متواتر معنوی» جای می‌گیرند.^۱ برخی از دانشمندان مانند شیخ مفید رحمته‌الله به تواتر احادیث تصریح کرده و اجماع امامیه را بر آن ادعا نموده است.^۲ مجلسی اول رحمته‌الله نیز به دلیل فراوانی و تکرار این احادیث، رد آن را ممکن نمی‌داند.^۳ هم‌چنین شیخ حرّ عاملی رحمته‌الله روایات آن را بیش از حد شمارش و متواتر می‌داند.^۴ علامه مجلسی رحمته‌الله بالاترین حدّ شهرت را برای این روایات قائل است و انکار آن را برخلاف روش نیکان دانسته است.^۵ هم‌چنین علامه طباطبائی رحمته‌الله طریق روایات ناظر به حضور اهل بیت علیهم‌السلام را بسیار زیاد می‌داند.^۶

افزون بر اثبات تواتر، دو شاهد دیگر بر تقویت مجموعه احادیث ناظر به احتضار یافت می‌شود:

شاهد نخست: اشعاری که در بردارنده اعتقاد به حضور؛ همچون اشعاری که از سید

حدیث پژوهان شیعه و اهل سنت معتقدند که نمی‌توان برای شمار راویان خبر متواتر عدد و رقم مشخصی را تعیین کرد (نصیری، علی، همان، ۳۰/۲)

۱. در بسیاری از احادیث متواتر، الفاظ حدیث یکسان نیست، بلکه به صورت‌های مختلف نقل شده است، اما وقتی به مفاهیم تضمّنی یا التزامی آن‌ها توجه شود، یک یا چند مفهوم و مدلول مشترک را به دست می‌دهد. در حقیقت آن حدیث در معنا و مفاد دارای تواتر است، نه لفظ؛ از این جهت به آن متواتر معنوی می‌گویند. (نصیری، علی، همان، ۳۴/۲)

۲. مفید، محمد بن محمد، *اوائل المقالات*، ۷۳.

۳. مجلسی، محمد باقر، *روضه المتقین*، ۳۵۳/۱.

۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *الفصول المهمّة*، ۳۲۳/۱.

۵. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ۲۰۰/۶.

۶. طباطبائی، محمد حسین، همان، ۹۹/۱۰.

حمیری^۱ گزارش شده است.^۲ همانند:

و يراه المحضور حين تكون الروح بين الالهة والحلقوم^۳

و نیز دیگر شاعرانی که مرحوم رحمانی همدانی اشعار آنان را آورده است.^۴ انعکاس این اعتقاد در اشعار شاعران، نشان از وجود اعتقاد فراگیر به حضور اهل بیت علیهم السلام بر بالین محضر در بین جامعه شیعی دارد.

شاهد دوم: وقایعی که در هنگام احتضار مؤمنان و کافران اتفاق افتاده است و حاضران، آن‌ها را گزارش نموده‌اند؛^۵ از جمله، واقعه مشهور جان سپاری معاذ بن جبل و سید حمیری^۶ از این نمونه است.

۴- بررسی محتوایی احادیث

در بررسی محتوای احادیث، ابتدا این پرسش مطرح است که آیا می‌توان به ظاهر روایات أخذ کرد یا باید آن‌ها را تأویل نمود؟ در پاسخ به این پرسش، به طور کلی دو دیدگاه مطرح است:

یکم: تأویل احادیث به دیدن ثمره اعتقاد به ولایت و همچنین دیدن نتیجه دشمنی در حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام؛ این دیدگاه متکلمانی مانند شیخ مفید و سید مرتضی رحمهما الله است.

دوم: اهل بیت علیهم السلام در حالت احتضار در کنار محضر حضور می‌یابند و محضر

۱. سید حمیری ابتدا کیسانی مذهب بود و پس از آن به دین حق پیوست؛ هنگام احتضار، پس از سیاه شدن چهره‌اش، بار دیگر سفیدرو شد و در آن هنگام اشعاری را خواند که بر دیدار امیر مؤمنان علیه السلام دلالت دارد. (رک: طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۶۲۸).

۲. مفید، محمد بن محمد، الامالی، ۳؛ طبری، محمد بن ابی القاسم، همان، ۵/۲.

۳. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ۷۴.

۴. رک: رحمانی همدانی، احمد، الامام علی بن ابی طالب، ۵۲۹.

۵. این گزارش‌ها از آن جهت که در زمره حدیث نیست، به طور مستقل به عنوان شاهد ذکر شده است.

۶. پیش‌تر به آن اشاره شد. (رک: طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۶۲۸).

آن بزرگواران را رودررو مشاهده می‌کند؛ این دیدگاه عمده دانشمندان امامیه است. پس از تحلیل و بررسی دیدگاه‌ها، در نهایت دیدگاه مختار بیان می‌شود.

۴-۱- تأویل رؤیت اهل بیت علیهم‌السلام به دیدن نتایج اعتقاد یا بی‌اعتقادی به ولایت آنان

شیخ مفید رحمته‌الله پس از ادعای اجماع و تواتر احادیث، از ظاهر الفاظ خارج گشته و حضور را به آگاهی از ثمره ولایت یا دیدن نتیجه شک، دشمنی و کوتاهی در حق رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علیه‌السلام تأویل نموده است. آنگاه به تفاوت دیدگاه خود با «حشویه»^۱ از امامیه اشاره می‌کند که دیدار نبی و ولی را با چشم پذیرفته‌اند و حضور و مجاورت جسمانی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علیه‌السلام را در مکان احتضار معتقدند.^۲ پس از ایشان، شاگرد نامدار او، سید مرتضی رحمته‌الله، نیز روایات را همین‌گونه تأویل نموده^۳ و با استاد خود هم‌نوا شده است.^۴

عوامل مختلفی این دو متکلم را به انکار حضور اهل بیت علیهم‌السلام در کنار محتضر سوق داده که یکی از آن‌ها، قوی‌تر بودن بُعد عقل‌گرایی ایشان نسبت به نص‌گرایی شان است.^۵ بر اساس این تفکر، مضمون روایات در صورتی قابل‌پذیرش‌اند

۱. منظور شیخ مفید رحمته‌الله از این اصطلاح در اینجا اهل حدیث از امامیه است. (ر.ک: مفید، محمد بن محمد، *اوائل المقالات*، ۴۰، ۴۳ و ۶۱)؛ به نقل از: (امیرخانی، علی، *جریان شناسی اصحاب حدیث از ابتدای شکل‌گیری تا دوران اقتدار اشاعره*، نقد و نظر، ۱۳۸/۲؛ مکدموت، مارتین؛ ترجمه احمد آرام، *اندیشه‌های کلامی شیخ مفید*، ۲۵۸).

۲. مفید، محمد بن محمد، همان، ۷۴.

۳. برخی از محدثان، مانند علامه مجلسی رحمته‌الله، چنین تأویلاتی را در حقیقت رد اخبار و طعن در آثار دانسته‌اند که با توجه به پذیرش این احادیث از سوی شیخ مفید و سید مرتضی رحمته‌الله و حتی ادعای تواتر و اجماع بر آن، این دیدگاه سخت‌گیرانه است. (مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ۲۰۲/۶).

۴. شریف مرتضی، علی بن الحسین، *رسائل الشریف المرتضی*، ۱۳۳/۳.

۵. لازم به ذکر است که بین عقل‌گرایی این دو متکلم تفاوت‌هایی است؛ اما در این شاخصه هر دو هم‌نوایند. (ر.ک: رضایی، جعفر، *جایگاه عقل در کلام امامیه در مدرسه کلامی بغداد*، تحقیقات کلامی، ۲۱-۹/۴).

که مخالف عقل نباشند؛^۱ در غیراین صورت باید آن‌ها را بر معنای صحیحی غیر از معنای ظاهری آن‌ها حمل نمود.^۲ این دو متکلم، دیدگاه خود را به دلایل و شواهدی مستند نموده‌اند که به‌طور جداگانه دلایل هریک تحلیل و بررسی می‌شود.

۴-۱-۱- دلایل شیخ مفید رحمته الله علیه

شیخ مفید رحمته الله علیه در اثبات نظریه خود دو دلیل اقامه نموده است که به اختصار چنین‌اند: دلیل نخست شیخ مفید رحمته الله علیه: ایشان دیدار ملائکه هنگام احتضار را همانند رؤیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام نمی‌پذیرد، با این تفاوت که دیدار ملائکه را جایز می‌داند؛ به این دلیل که معتقد است ملائکه اجسامی شفاف و رقیق‌اند و خداوند به هنگام احتضار، شعاع دید محتضرا را افزایش می‌دهد تا توان دیدن آن‌ها را داشته باشد؛ اما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام اجسامی متفاوت از ملائکه‌اند، از این‌رو قابل رؤیت نیستند.^۳

تحلیل و بررسی دلیل نخست شیخ مفید رحمته الله علیه: پیش از بررسی و نقد دیدگاه شیخ مفید رحمته الله علیه، باید دید مبنای ایشان درباره حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام چیست و چرا شیخ مفید رحمته الله علیه سخنی از حضور بدن برزخی^۴ ائمه علیهم السلام به میان نیاورده است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، سه احتمال مطرح است:

۱. جهت اطلاع بیشتر از روش شناسی کلامی شیخ مفید رک: سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم و صدیقی، حسین، روش شناسی کلامی شیخ مفید، کلام اسلامی، ۹۱/۱۲۹-۱۵۲.
۲. چنان‌که روایات حیات پیشین انسان در عوالم گذشته را نیز انکار یا تأویل نموده‌اند. (رک: توران، امداد، حیات پیشین انسان از دیدگاه متکلمان بغداد، تحقیقات کلامی، ۶/۷)
۳. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ۷۵.
۴. بدنی است که برخی از انسان‌ها عالم برزخ را با آن می‌گذرانند و تمام لذات و آلام آن جهان از طریق این بدن به نفس منتقل می‌شود. (رک: افضل، علی، اقسام بدن انسان و نقش آن‌ها در دنیا، برزخ و قیامت، علوم حدیث، ۵۹ و ۶۰/۱۱۲-۱۲۰)

یکم: شیخ مفید رحمته الله علیه قائل به تمایز روح از بدن نیست و ماهیت انسان را جسم او می‌داند.

دوم: وی به بدنی برزخی، پس از جدایی روح از بدن عنصری اعتقاد ندارد.

سوم: حیات برزخی معصومان علیهم السلام را به گونه‌ای خاص قائل است.

احتمال اول قابل پذیرش نیست؛ زیرا شیخ مفید رحمته الله علیه نیز به سان بسیاری از دانشمندان شیعه، همچون هشام بن حکم، نوبختیان^۱ و شیخ صدوق رحمته الله علیه^۲، از طرفداران تمایز نفس و بدن است^۳ و روح را جوهری غیر از بدن می‌داند که حیات، قدرت، علم، اراده، کراهت، حب و بغض به آن قائم است؛ اما در کارهای خود نیازمند وسیله‌ای به نام بدن است.^۴

احتمال دوم نیز منتفی است؛ زیرا وی در باب چگونگی نعمت و عذاب صاحبان قبرها، چنین می‌نگارد:

خداوند اجسادی مانند اجساد دنیوی برای آن‌ها قرار می‌دهد که در این بدن‌ها، مؤمنان در نعمت قرار دارند و کافران و فاسقان عذاب می‌شوند؛ نه ابدان دنیوی که پس از مدتی متلاشی و پوسیده می‌شوند.^۵

لازم به ذکر است شیخ مفید رحمته الله علیه بر اساس روایات، این دیدگاه را تنها درباره مؤمنان و کافران محض می‌پذیرد.^۶

۱. مفید، محمد بن محمد، المسائل السروية، ۵۷.

۲. صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، ۴۷-۵۰.

۳. شیخ صدوق و شیخ مفید در اصل تمایز روح و بدن با یکدیگر هم‌نویسند، اما در برخی از مبانی روح‌شناسی و نفس‌شناسی، دیدگاه‌های ناهمگونی دارند. (رک: خداپاوری، علینقی، نظریه‌های نفس‌شناسی متکلمان امامی سده‌های میانی و کارکرد آن‌ها در تبیین آموزه معاد، نقد و نظر، ۷۱/۶۱-۸۶)

۴. مفید، محمد بن محمد، همان، ۵۷-۶۰؛ همو، تصحیح الاعتقاد، ۷۹.

۵. همو، اوائل المقالات، ۷۷.

۶. همو، تصحیح الاعتقادات، ۸۸-۹۰.

با دقت و تأمل در نگاه‌ها های شیخ مفید رحمته الله علیه، احتمال سوم تقویت می‌شود؛ یعنی ایشان حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام را به‌گونه‌ای خاص و ویژه تفسیر کرده و معتقد است ائمه علیهم السلام پس از وفات، با بدن و روحشان، از زمین به آسمان منتقل می‌شوند و با همین بدن دنیایی در نعمت الهی قرار می‌گیرند.^۱ سپس چنین اعتقادی را به همه فقهای امامیه نسبت داده و تنها بنی نوبخت و برخی از مقصرین در معرفت را به عنوان مخالفان این دیدگاه، یاد می‌کند.^۲

براین اساس گویا مبنای ایشان در تأویل روایات، بر اساس عدم امکان حضور یک جسم مکانمند در دو مکان است؛ به این معنا که افراد زیادی ممکن است هم‌زمان در حالت احتضار باشند که در صورت حضور اهل بیت علیهم السلام با جسم عنصری، این حضور با عقل سازگار نیست؛ از این رو ظاهر روایات نیاز به تأویل دارند.

پس از روشن شدن دیدگاه شیخ مفید رحمته الله علیه، ملاحظاتی بر نظرگاه ایشان ارائه می‌شود. ملاحظه اول: شیخ مفید رحمته الله علیه در نگاه خود - مبنی بر جسمانی بودن حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام - که برآمده از نقل است، قائل به حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام در جسم دنیایی است؛ حال آن‌که با این مسئله هم‌روبرو است که در بسیاری از روایات احتضار - همان‌گونه که گذشت - الفاظی مانند «امامک»، «یجلس»، «یُکَبُّ»، «اتاه» و «وجد» به کار رفته که جز بر معنای حضور اهل بیت علیهم السلام قابل حمل نیست. همچنین در برخی از احادیث، از مکان حضور اهل بیت علیهم السلام سخن گفته شده است؛ از این رو تأویل ذکر شده با تصریح و نص احادیث حضور اهل بیت علیهم السلام منافات داشته و دلیل ایشان بر تأویل روایات، کافی نیست.

۱. همان، ۹۱؛ گفتنی است برخی دیگر از دانشمندان امامیه، در حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام با شیخ مفید هم‌نوا هستند. (ر.ک: کراچی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ۱۴۰/۲؛ بحرانی، سید هاشم، الدرر النجفیة، ۱۶۴/۳).

۲. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ۷۲ و ۷۳.

ملاحظه دوم: برخی از دانشمندان، مبنای شیخ مفید (علیه السلام) مبنی بر عدم حضور اهل بیت (علیهم السلام) با جسم دنیایی را نپذیرفته‌اند؛ این دانشوران بر این اعتقادند که روح انسان پس از مرگ، در قالبی مانند قالب جسم قرار می‌گیرد و زندگی برزخی را در آن می‌گذرانند و این امر، با عقل هیچ‌گونه ناسازگاری ندارد.^۱

ملاحظه سوم: بر فرض جسمانی بودن حیات برزخی اهل بیت (علیهم السلام)، شیخ مفید (علیه السلام) خصوصیات جسمانی عالم دنیا را به عالم برزخ سرایت داده است و همان‌گونه که در دنیا امکان حضور یک جسم در مکان‌های مختلف وجود ندارد، این قاعده را در برزخ نیز جاری نموده است؛ حال آن‌که این تسری، نیازمند دلیل است؛ علامه طباطبائی (علیه السلام) درباره تفاوت میان عالم دنیا و برزخ می‌گوید:

عالم برزخ، مافوق عالم دنیا است و رابطه طولی با آن دارد؛ لازمه طولی بودن این عوالم، چنین است که عالم مافوق، کمالات عالم مادون را به نحو کامل تر دارا باشد و از کمالاتی که عالم مادون ندارد، بهره‌مند است و البته از محدودیت‌ها و نواقص عالم مادون به دور است.^۲

مرحوم رحمانی همدانی (علیه السلام) نیز به تفاوت و نظام‌های ویژه این دو عالم، اشاره نموده است.^۳ بر این اساس، اهل بیت (علیهم السلام) در عالم برزخی به سر می‌برند که دارای نظامی خاص و ویژه است و ممکن است احکام عالم دنیا، مثل عدم امکان حضور یک جسم مکانمند در یک زمان، در آن وجود نداشته باشد؛ از این رو امکان حضور ایشان بر بالین افراد گوناگون در یک زمان، ممکن است.

دلیل دوم شیخ مفید (علیه السلام): در اصطلاح قرآن، گاهی از دیدن ثمره اعمال، به «رؤیت» تعبیر شده است؛ همان‌گونه که خدای عز و جل می‌فرماید:

۱. تفصیل این بحث در کیفیت حضور اهل بیت (علیهم السلام) بیان خواهد شد.

۲. طباطبائی، محمد حسین، بدایة الحکمة، ۳۳۶-۳۳۸.

۳. ر.ک: رحمانی همدانی، احمد، الامام علی بن ابی طالب، ۵۲۱.

پس هر کس هم وزن ذره‌ای نیکی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید و هر کس هم وزن ذره‌ای بدی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید.^۱

مقصود خداوند از رؤیت در این آیه، شناخت نتیجه اعمال به نحو یقینی است که شکی در آن راه ندارد.

و نیز می‌فرماید: «کسی که به دیدار خدا امید دارد، اجل خدا آمدنی است»^۲ دیدار خدای تعالی همان ملاقات با پاداش اعمال است.^۳

تحلیل و بررسی دلیل دوم شیخ مفید رحمته‌الله: در نقد دلیل دوم شیخ مفید رحمته‌الله باید گفت معنای خلاف ظاهر آیه، به خودی خود نمی‌تواند قابل انتساب به آیه و روایت باشد، مگر آن‌که قرینه قطعی از عقل یا نقل بر آن دلالت کند. در این آیات، با توجه به وجود قرینه، معنای ظاهری به معنای دیگر تأویل برده شده است؛ حال آن‌که قرینه‌ای برخلاف تأویل وجود دارد و آن تصریح روایات بر حضور اهل بیت علیهم‌السلام در کنار محتضر است.^۴ این تصریح، راه را بر تأویل روایات مسدود می‌کند.

۴-۱-۲- دلایل سید مرتضی رحمته‌الله

سید مرتضی رحمته‌الله برای اثبات دیدگاه خود سه دلیل ارائه نموده است که یکی از دلایل او، با دلیل دوم شیخ مفید رحمته‌الله همگون است؛ از این رو به اختصار به بررسی دو دلیل دیگر می‌پردازیم.

دلیل نخست سید مرتضی رحمته‌الله: ایشان دلیل انتخاب تأویل روایات ناظر به احتضار را چنین بیان می‌کند:

این تأویل را اختیار نمودم به دلیل آن‌که امیر مؤمنان جسم است، پس

۱. زلزال / ۷ و ۸.

۲. عنکبوت / ۵.

۳. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ۷۴.

۴. برقی، احمد بن محمد، همان، ۱/ ۱۷۶، ح ۱۵۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/ ۱۲۸، ح ۱ و ۲.

چگونه هر محتضر او را مشاهده می‌کند، حال آن‌که جسم در یک زمان نمی‌تواند در جهات مختلف باشد.^۱

تحلیل و بررسی دلیل نخست سید مرتضی (علیه السلام): پیش از آنکه به نقد دلیل نخست سید مرتضی (علیه السلام) پرداخته شود، لازم است مبنای ایشان در روح‌شناسی که یکی از زمینه‌های نظری انکار حضور اهل بیت (علیهم السلام) است، مورد بررسی قرار گیرد.

سید مرتضی (علیه السلام) روح را هوایی می‌داند که در معجاری انسان تردّد می‌کند و انسان را همین شخص قابل مشاهده می‌داند، نه جوهری بسیط که به او تعلق دارد؛^۲ وی روح را هوای موجود در منافذ موجود زنده می‌داند.^۳

گویا تأویل روایات حضور اهل بیت (علیهم السلام)، بر اساس نظریه ایشان در مورد جسم و روح باشد؛ در این دیدگاه، روح از بدن جدا نیست؛ از سویی، یکی از خصوصیات جسم، عدم امکان حضور آن در یک زمان در مکان‌های مختلف است؛ از این رو حضور جسم اهل بیت (علیهم السلام) در یک زمان بر بالین افراد گوناگون به هنگام احتضار، با مبنای سید مرتضی سازگار نیست؛ پس ظاهر روایات را تأویل نموده است.

در نقد دیدگاه ایشان، افزون بر برخی از ملاحظات پیش گفته بر دلایل شیخ مفید، کافی است تمایز میان جسم و روح اثبات شود؛ در این صورت امکان حضور روحانی اهل بیت (علیهم السلام) در قالب یا قالب‌های برزخی یا مثالی فراوان، پذیرفتنی خواهد بود.

در نقد مبنای روح‌شناسی سید مرتضی (علیه السلام)^۴، متکلمان و محدّثان به آیات و روایات گوناگونی که بر تمایز جسم و روح دلالت دارند، استناد جسته‌اند. شیخ صدوق (علیه السلام) در کتاب اعتقادات، به جدایی روح از بدن و در نعمت یا عذاب قرار گرفتن آن تصریح

۱. شریف مرتضی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، ۳/ ۱۳۳.

۲. همو، الذخیره، ۱/ ۱۱۴.

۳. همو، رسائل الشریف المرتضی، ۴/ ۳۰.

۴. سید مرتضی چون در مقام پاسخ‌گویی از مسائل بوده، دلایل مبنای خود را یاد نکرده است. (همان، ۳۰ و ۳۱)

می‌کند،^۱ سپس این دیدگاه را به آیات و روایاتی مستند می‌سازد؛ از جمله به آیات ۱۵۴ بقره و ۱۶۹ آل عمران که در وصف شهدا، تعبیر «زندگانی که در نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند» به کار رفته است؛ حال آن‌که بدن‌های آن‌ها بدون حیات بر زمین قرار دارد.^۲

برخی دیگر از دانشمندان مانند شیخ مفید رحمته‌الله، در تمایز روح از بدن به آیات دیگری استناد نموده‌اند؛ چون آیات ۶ تا ۸ سوره انفطار:

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ﴾

در این آیات، خداوند از وجودی که به آن صورت و شکل داده، خبر می‌دهد؛ در حالی که اگر انسان تنها همین جسم و بدن بود، فراز «به هر صورتی که خواست تورا ترکیب کرد» معنا نمی‌داد؛ زیرا به تعبیر شیخ مفید رحمته‌الله «المركب في الشيء غير الشيء المركب فيه»؛^۳ از این رو صورت ترکیب یافته نمی‌تواند خود آن باشد.

آیات دیگری که شیخ مفید در تمایز روح از بدن، به آن استناد می‌کند، آیات ۲۶ و ۲۷ از سوره یس است که خداوند از زنده بودن، سخن گفتن و در نعمت بودن مؤمن آل یاسین خبر داده است؛ گرچه جسم او بر روی زمین یا در درون زمین قرار دارد.^۴

در نقد مبنای سید مرتضی، همچنین به روایاتی که از نعمت و عذاب روح پس از جدایی از بدن^۵ و جایگاه ارواح مؤمنین پس از جدایی از اجساد^۶ خبر می‌دهند، استناد می‌شود.

۱. صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، ۴۷.

۲. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، اللوامع الالهية، ۵۵۲.

۳. مفید، محمد بن محمد، المسائل السروية، ۶۰.

۴. همان، ۶۱.

۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۲۸۷/۱، باب فی الائمة انهم يعرضون عليهم

اعدائهم، ح ۹؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۸۲/۳۵.

۶. همان، ۸۹/۵۸.

با اثبات تمایز بین جسم و روح،^۱ در صورتی که به حضور روحانی اهل بیت علیهم السلام در قالب مثالی یا برزخی یا تمثیل اهل بیت علیهم السلام قائل شویم،^۲ شبهه ناسازگاری این امر با عقل رفع می شود.

دلیل دوم سید مرتضی علیه السلام: سید مرتضی در دلیل دوم خود، روایاتی را شاهد می آورد که بیان می دارند محتضر هنگام مرگ یا زمان نزدیک آن، اموری را می بیند که او را بر بهشتی یا دوزخی بودن، راهنمایی می کند.^۳ این خود شاهدی بر دیدن ثمره ولایت است، نه حضور در کنار محتضر.

تحلیل و بررسی دلیل دوم سید مرتضی علیه السلام: در نقد دلیل دوم سید مرتضی علیه السلام می توان گفت بین حضور اهل بیت علیهم السلام بر بالین محتضر و آگاهی از بهشتی یا دوزخی بودن، منافاتی وجود نداشته و بایکدیگر قابل جمع اند؛ افزون بر آنکه طبق برخی از گزارش ها، حضرات ائمه علیهم السلام هستند که محتضرا را به بهشت یا دوزخ وعده می دهند.^۴

۴-۲- دیدگاه برخی از متکلمان، محدثان و فقیهان

برداشت عمده متکلمان، محدثان و فقیهان از مجموع احادیث احتضار آن است که اهل بیت علیهم السلام در حالت احتضار در کنار محتضر حضور می یابند و محتضران بزرگواران را رودر رو مشاهده می کند.

شیخ حسن بن سلیمان حلّی علیه السلام با نام گذاری کتاب خود به نام المحتضر فی إثبات حضور النبی و الأئمة علیهم السلام عند المحتضر بر حضور ائمه بر بالین محتضر تأکید نموده است.^۵

۱. تفصیل این بحث نیاز به پژوهشی مستقل دارد.

۲. این دو دیدگاه در بحث از کیفیت حضور اهل بیت علیهم السلام بیان می شود.

۳. شریف مرتضی، علی بن الحسین، رسائل شریف مرتضی، ۳/ ۱۳۳.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳/ ۱۲۸-۱۳۰، باب ما یعاین المومن و الکافر، ح ۱، ۲ و ۴.

۵. حلّی، حسن بن سلیمان، المحتضر، ۲۴.

مجلسی اول و دوم و همچنین سید عبدالله شبّر رحمته الله نیز به حضور اهل بیت علیهم السلام قائل شده‌اند و به شبهاتی که پیرامون این اعتقاد وجود دارد، پاسخ گفته‌اند.^۱

برخی از محدثان مانند علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی و سید هاشم بحرانی رحمته الله با نام‌گذاری ابواب روایاتِ ناظر به احتضار، بر حضور تأکید نموده‌اند.^۲

از میان فقیهان نیز صاحب جواهر و آقا ضیاء عراقی رحمته الله در بحث از احکام فقهی هنگامه احتضار، علت نام‌گذاری لحظات نزدیک مرگ به «احتضار» را به دلیل حضور ائمه علیهم السلام می‌دانند.^۳

۴-۳- دیدگاه مختار درباره احادیث احتضار

احادیثِ ناظر به احتضار مؤمن، بر حضور اهل بیت علیهم السلام در هنگامه مرگ دلالت دارند؛ همان‌گونه که از واژگان به کار رفته در این دست روایات که پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد، همین معنا برداشت می‌شود و چون قرینه‌ای برخلاف معنای ظاهری آن الفاظ وجود ندارد، پس به همان معنای ظاهری حمل می‌شوند.

در برخی احادیث خطاب به محتضر، واژه «آمامک» و «آمامه» به کار رفته است که در قرارگیری حضرات پیش روی محتضر دلالت دارند. گاه احادیث با واژه «وجد» بر حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله در بالای سر محتضر و حضور امیر مؤمنان علیه السلام در

۱. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، ۱/۳۵۳؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۶/۲۰۰، باب ما یعیّن المؤمن و الکافر؛ شبّر، عبدالله، تسلية الفواد، ۸۱ و ۸۲.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ۶/۲۰۰، حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة، ۱/۳۰۳؛ بحرانی، سید هاشم، مدینه المعاجز، ۳/۱۰۶.

۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ۴/۶؛ عراقی، آقا ضیاء الدین، شرح تبصرة المتعلمین، ۱/۲۳۴.

سویی دیگر، اشاره دارند.^۱ روایات حضور اهل بیت علیهم السلام گاه با واژگان «جَلَس»،^۲ «یَجْلِس»^۳ به صراحت بر حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سمت راست یا بالای سر محتضر و حضور امیر مؤمنان علیه السلام در سمت چپ یا پائین پای او دلالت دارند. در برخی احادیث، واژه «آناه»^۴ و در بعضی واژه «یُكَبِّ»^۵ به معنای در آغوش گرفتن آمده و آشکار است که در آغوش گرفتن محتضر مؤمن، جز با حضور نزد او امکان پذیر نیست. با این توضیح، واژگان دیگری چون «رأی»،^۶ «رأنی»،^۷ «راه»،^۸ «یری»،^۹ «یرانی»،^{۱۰} «یرَاهُمَا»،^{۱۱} «معاینه»^{۱۲} و «انظر»^{۱۳} در این احادیث^{۱۴} را باید بر مشاهده حضوری و رودر رو حمل نمود.

براین اساس، حضور اهل بیت علیهم السلام برای همه محتضران مؤمن حاصل می شود که به حسب درجات معرفت ایشان، گونه های حضور، مختلف خواهد بود. در مقابل، احادیث ناظر به احتضار کافران، به طور عمده با الفاظی از ریشه «رؤیت»

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ۱۷۳/۶، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۲۹/۳، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲.

۳. همان، ح ۱.

۴. همان، ح ۱۳.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۲۸/۳، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲.

۶. کوفی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۴، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۵.

۷. همان، ص ۸۳، ح ۲۲۲.

۸. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۳۱/۳، ح ۳ و ۹.

۹. همان، ۱۳۳/۳، ح ۸.

۱۰. مجلسی، محمد باقر، همان، ۱۹۲/۶، ح ۴۰.

۱۱. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱۷۶/۱، ح ۱۵۸.

۱۲. کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۳، ح ۲۲۱.

۱۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۱۲۵/۲.

۱۴. با توجه به آنکه روایات در بردارنده این واژه گان، ناظر به مجموع مؤمنان است و روایتی که تصریح بر معنای مشاهده صرف نماید و حضور را نفی کند وجود ندارد.

انعکاس یافته اند^۱ و تنها یک روایت با لفظ «حَصْرُهُ» گزارش شده است^۲ که با توجه به معنای حضور^۳ باید گفت کافران نیز به هنگام احتضار، ائمه علیهم السلام را مشاهده می‌کنند.^۴

۵- سازگاری احادیث احتضار با عقل و حس

حال پس از اثبات حضور اهل بیت علیهم السلام در هنگامه احتضار، به دو پرسش در زمینه ادّعی ناسازگاری این دست از روایات با عقل و حس می‌پردازیم.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۳۲/۳ و ۱۳۳، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۵، کوفی، حسین بن سعید، همان، ۸۳ و ۸۵، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۲۲۲ و ۲۲۷؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۱۹۲/۶، باب ما یعاین المؤمن و الکافر، ح ۴۰ و ۴۱.
۲. سند این روایت در کتاب شریف کافی مرسل است. از این روایت جهت سندی این روایت معتبر نیست؛ اما در طریقی که حسین بن سعید اهوازی نقل نموده است، محمد بن سنان وجود دارد که دیدگاه رجالی‌ها نسبت به او، به سه دوره تقسیم شده است: دوره تردید میان توثیق و تضعیف؛ دوره تضعیف؛ و دوره توثیق. (رک: مهدوی راد، محمد علی و جباری، امیر عطاء الله، محمد بن سنان از ورای دیدگاه‌ها، حدیث پژوهی، ۵۹-۳۹/۸) از این روایت از جهت سند تنها بنا بر مبنای کسانی که محمد بن سنان را توثیق می‌کنند، اعتبار دارد.
۳. حضور و ورود و مشاهده چیزی را گویند و به حالت استقرار یافتن در مقابل چیزی اطلاق می‌شود. (رک: فیتومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ۱۴۰/۲؛ ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۷۵/۲؛ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲۴۰/۲)
۴. لازم به ذکر است درباره مجموع کافران، به روشنی نمی‌توان قائل به حضور اهل بیت علیهم السلام شد، به دلیل آن که برخی از روایات بر مشاهده اهل بیت علیهم السلام در هنگامه احتضار کافران، دلالت دارد؛ مانند این روایت: «زمانی که ملک الموت برای قبض روح [منکران رسالت و امامت] می‌آید... به وی خطاب می‌شود: >سرت را بالا بگیر و نگاه کن که در پائین عرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر تختی قرار گرفته و علی علیه السلام بر صندلی در پیشگاه او و سایر ائمه در مقابل آن حضرت قرار گرفته اند.<». (الامام العسکری، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام، ۵۷۳؛ بحرانی، سید هاشم، البرهان، ۵۸۰/۱؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۱۹۰/۶، ح ۳۳). اما نکته قابل تأمل در این روایت، اعتبار سندی آن است که مصدر اصلی آن تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است که دانشمندان در اعتبار این تفسیر و استناد آن به امام حسن عسکری علیه السلام اختلاف دارند. (رک: استادی، رضا، بحثی درباره تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، نور علم، ۱۱۸/۱۳-۱۳۶؛ بابایی، مکاتب تفسیری، ۷۹-۹۸).

۵-۱- ادعای ناسازگاری احادیث احتضار با عقل و پاسخ آن

برخی ادعا کرده‌اند حضور یک جسم مکانمند در دو مکان در زمان واحد، با عقل سازگار نیست.^۱

برای پاسخ به این پرسش، باید چگونگی حضور اهل بیت علیهم‌السلام در هنگامه احتضار تبیین شود.^{۲ و ۳}

در کیفیت حضور اهل بیت علیهم‌السلام دو احتمال مطرح است:

یکم: حضور اهل بیت علیهم‌السلام در بدن برزخی یا مثالی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، برخی از متکلمان،^۴ محدثان^۵ و مفسران^۶ معتقدند که روح انسان پس از مرگ، در قالبی مانند قالب جسم قرار می‌گیرد که زندگی برزخی را در آن می‌گذراند؛ باورمندان این دیدگاه، در اثبات ادعای خود به آیات قرآن^۷ و

۱. تکرار این بحث از آن جهت است که بر اساس مبنایی غیر از مبنای شیخ مفید نیز بتوان این پرسش را پاسخ داد.

۲. فرض پژوهش حاضر بر اثبات حیات برزخی اهل بیت علیهم‌السلام و تمایز روح از جسم است که به برخی از دلایل تمایز روح از جسم در بررسی و تحلیل دلیل اول سید مرتضی رحمته‌الله‌علیه اشاره شد.

۳. برخی از محدثان همانند علامه مجلسی و سید عبدالله شبر رحمته‌الله‌علیهما بر این باورند که لزومی در تحقیق و تفحص در کیفیت حضور نیست، بلکه ایمان به آن کافی است و باید علم آن به عالم واگذار شود (رک: مجلسی، محمدباقر، همان، ۲۰۲/۶؛ شبر، سید عبدالله، تسلیة الفؤاد، ۸۲) اما به نظر می‌رسد این دیدگاه مبتنی بر احتیاط، در صورتی مورد پذیرش است که حضرات مسئله‌ای را مسکوت گذارده یا از بررسی آن - همانند برخی از امور در باب توحید - نهی نموده باشند؛ اما در صورتی که برداشت ما بر اساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام باشد، جایی بر پذیرش این دیدگاه باقی نمی‌ماند.

۴. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، اللوامع الالهية، ۵۴۹؛ شبر، سید عبدالله، حق الیقین فی معرفة اصول الدین، ۳۹۳.

۵. مجلسی، محمدباقر، همان، ۲۷۱/۶؛ مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، ۴۷۰/۱؛ فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، ۲۹۱/۲۴.

۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۴۳۵/۱.

۷. محمد/۲۷؛ و به همین مضمون: انفال/۵۰؛ نوح/۲۵ و به همین مضمون: غافر/۴۶.

احادیث گهربار معصومان علیهم‌السلام استناد نموده‌اند. این بدن در اصطلاح فلاسفه، به بدن مثالی معروف است که نیمه مجرد یا مجرد نسبی است.^۲

برخی از دانشمندان برخلاف نظریه فیلسوفان^۳، عالم برزخ را نه مجرد نسبی، بلکه از سنخ ماده لطیف می‌دانند. بنا بر دیدگاه این محدثان و متکلمان، این بدن در حالات معمول، داخل بدن مادری و کاملاً قالب آن است و در عالم دنیا نیز روح به آن تعلق دارد^۴ و همان بدنی است که هنگام خواب از بدن مادری جدا می‌شود^۵ و سیر می‌کند و لطافت بسیار زیاد و جرمانی و متکاثف نبودنش امکان سیر و حرکت را ایجاد می‌کند. این همان بدن برزخی است و همان تمثالی است که خداوند برای هر بنده‌ای در عرش قرار داده است. از این رو این بدن در زمان حیات انسان نیز موجود است.^۶ موجودات مثالی (برزخی) به علت شدت لطافت، در شرایط معمول ادراکی،

۱. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۴۵/۳، باب فی ارواح الکفار، ح ۷، ۱۰۶؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۵۳/۶، باب احوال البرزخ والقبور.

۲. برخی فیلسوفان مسلمان معتقدند در قوس نزول عالم هستی، محال است که فیض وجود مستقیم و بی‌واسطه از عالم مجردات به عالم مادی برسد؛ از این رو ضرورتاً باید عالمی بین این دو عالم باشد که برخی خصوصیات مجردات و برخی خصوصیات اجسام را داشته باشد؛ از این رو نیمه مجرد یا مجرد نسبی محسوب می‌شود. بر این اساس عالم برزخ را از سنخ عالم مثال دانسته‌اند و موجودات برزخی را اجسام مثالی که شکل و اندازه دارند، ولی ماده، حرکت، تغییر، زمان و مکان ندارند. در نتیجه بدن برزخی هم چیزی جز بدن مثالی با ویژگی‌های یادشده نیست. صدر المتألهین و پیروانش، بدن برزخی را مثالی دانسته‌اند و آن را از نوع مثال متصل می‌دانند. (رک: شیرازی، محمد، الحکمة المتعالیة، ۲/۴۶-۸۲ به نقل از افضلی، علی، اقسام بدن انسان و نقش آن‌ها در دنیا، برزخ و قیامت، علوم حدیث، ۵۹ و ۳۹/۶۰ و ۴۰) ۳. جهت نقد و بررسی دیدگاه فیلسوفان در مسئله نفس و بدن (رک: افضلی، علی، نقد و بررسی نظریه فیلسوفان اسلامی در مسئله رابطه نفس و بدن، فلسفه، ۲/۷۷-۹۵، راه حل فیلسوفان اسلامی در رابطه نفس و بدن، فلسفه، ۳/۴۵-۵۶)

۴. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، اللوامع الالهية، ۵۴۹.

۵. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ۱۴/۲۲۱؛ شبر، سید عبدالله، حق الیقین فی معرفة اصول الدین، ۴۰۰.

۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۵۳/۵۸.

به ادراک حسی در نمی‌آیند؛ اما در شرایطی خاص که حواس انسان قدرت و شدت بیشتری می‌یابد، با حس درک می‌شوند.^۱

علامه مجلسی در بیان یکی از احتمال‌ها در نحوه حضور اهل بیت علیهم‌السلام می‌گوید: ممکن است حضور اهل بیت علیهم‌السلام در جسد مثالی لطیف صورت گیرد که آن را غیر از محضر نبیند، مانند حضور ملک الموت و یاوران او.^۲ گرچه دانشمندان در اثبات بدن برزخی یا مثالی به دلایلی تمسک نموده‌اند، اما هیچ استنادی از روایات ناظر به احتضار، مبنی بر این‌گونه حضور وجود ندارد.

دوم: تمثّل یافتن اهل بیت علیهم‌السلام

برخی از روایات، بر تمثّل یافتن اهل بیت علیهم‌السلام در هنگامه احتضار دلالت دارند، از جمله روایتی که پس از بیان کیفیت احتضار مؤمن و نحوه جان سپاری او، در آن خطاب به شخص مؤمن آمده است:

چشم‌ت را بگشا و نگاه کن؛ در این صورت رسول‌الله و امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم‌السلام برای او تمثّل می‌یابند.^۳

بر اساس این روایت، شیخ صدوق رحمته‌الله و مرحوم خواجه‌جوینی، به تمثّل نبی و حجج الهی علیهم‌السلام برای همه محضرها قائل شده‌اند.^۴

مجلسی اول رحمته‌الله در شرح عبارت شیخ صدوق رحمته‌الله، تعلق نفس‌های کامل، به ویژه در

۱. رک: افضل‌ی، علی، ماده، زمان، مکان در عوالم پس از مرگ، پژوهش دینی، ۴۷/۲۱؛ همو، اقسام بدن انسان و نقش آن‌ها در دنیا، برزخ و قیامت، علوم حدیث، ۵۹ و ۱۱۵/۶۰.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۰۱/۶.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱۲۷/۳، باب أنّ المؤمن لا یرک علی قبض روحه، ح ۲، صدوق، محمد بن علی، فضائل الشیعة، ۳۰، ح ۲۴؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۴۸/۵۸، باب حقیقة النفس والروح، ح ۲۴.

۴. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۱۳۶/۱، باب غسل المیت؛ خواجه‌جوینی، محمد اسماعیل، جامع الشتات، ۲۲۹.

عالم برزخ، به بدن‌های مثالی متعدّد را ممکن دانسته است؛^۱ سپس در اثبات این مطلب، ماجرای مهمان شدن امیرالمؤمنین علیه السلام در یک شب و در خانه چهل تن از صحابه را شاهد می‌آورد.^۲

مجلسی دوم علیه السلام نیز در این باره می‌گوید:

ممکن است خداوند برای هریک از اهل بیت علیهم السلام مثالی را همانند صورتشان خلق کند که این مثال‌ها، با مردگان سخن می‌گویند و از جانب اهل بیت علیهم السلام بشارت می‌دهند؛ همان‌گونه که برخی از روایات که در آنها لفظ تمثیل آمده به این نکته اشاره دارند.^۳

به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت با توجه به روایات و براساس برداشت دانشوران امامیه از آن، اجسام یا ارواح^۴ شریف اهل بیت علیهم السلام در هنگامه احتضار می‌توانند در قالب‌های برزخی یا مثالی درآیند. پس هیچ‌گونه تعارضی میان روایات احتضار با عقل نیست.

۵-۲- ادعای ناسازگاری احادیث احتضار با حس و پاسخ آن

برخی نیز گمان کرده‌اند اعتقاد به حضور ائمه علیهم السلام نزد محضر، مخالف حس و وجدان است؛ زیرا هیچ‌یک از حاضران نزد محضر، از وقوع چنین اتفاقی خبر نداده‌اند.

در پاسخ این ادعا باید گفت عدم رؤیت، دلیل بر عدم امکان حضور نیست. اکسیژن، اشعه ایکس و مادون قرمز و اموری از این دست، از واقعیاتی هستند که حس بینایی

۱. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، ۱/۳۵۳.

۲. همان.

۳. مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۰۱/۶، باب ما یعاین المومن و الکافر عند الموت.

۴. یاد کرد از این دو وجه با توجه به مبانی مختلف در حیات برزخی اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا برخی از دانشمندان آن را در جسم برزخی و برخی دیگر در جسم دنیایی می‌دانند؛ حال آن که روایات تمثیل یافتن اهل بیت علیهم السلام، در بیان ترجیح تمثیل اجسام یا ارواح، ساکت‌اند.

ما به صورت عادی آن‌ها را درک نمی‌کند، درحالی‌که نمی‌توان منکر آن‌ها شد؛ در هنگام احتضار نیز، خداوند قدرت دارد که این رؤیت را بر حاضران در کنار محاضر، به مصالحی همچون امتحان و آزمایش، مخفی کند و بر چشمانشان حجابی قرار دهد.^۱ همان‌گونه که بنا بر برخی از روایات، محاضر بسیاری از امور، چون مشاهده جایگاهش در بهشت یا جهنم، را درک می‌کند، اما کسانی که نزد او حاضرند، چنین اموری را مشاهده نمی‌کنند.^۲

نتیجه‌گیری

مجموع احادیث حضور اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل دارا بودن دو شرط استناد آگاهی مخبرین به حس و وجود تواتر در تمام طبقات، متواتر معنوی است و در اعتبار آن‌ها هیچ‌گونه خدشه‌ای وجود ندارد. همچنین به دلیل وجود وزگانی همچون «امامک»، «امامه»، «یجلس»، «جلس»، «اتاه»، «حضر» و «یگب» که بیانگر چگونگی حضور اهل بیت علیهم‌السلام نزد محاضر هستند، مشاهده و حضور اهل بیت علیهم‌السلام در هنگام احتضار مؤمن و کافر ثابت می‌شود و این احادیث هیچ‌گونه تعارضی با عقل و حس ندارند؛ از این رو تأویل این روایات توسط شیخ مفید و سید مرتضی رحمتهما با نبود قرینه‌ای محکم و استوار، مخالف صریح روایات است.

با بررسی محتوا و دیدگاه‌های مطرح در احادیث ناظر به احتضار و روشن شدن دیدگاه صواب، مجموعه وسیعی از احادیثی که با مقامات اهل بیت علیهم‌السلام مرتبط است، دلالت یابی گردید و گویا مسیری نوین، در پیشگاه پژوهشگران عرصه امامت

۱. حلی، حسن بن سلیمان، المحاضر، ۵۹؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ۲۰۱/۶، باب ما یعاین المومن و الکافر؛ شبر، عبدالله، تسلیة الفؤاد، ۸۲؛ استرآبادی، محمد جعفر، البراهین القاطعة، ۳۳۴/۴.

۲. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۱۳۸/۱، باب غسل المیت، ح ۳۷۵؛ طبسی، محمد رضا، در الاخبار فیما یتعلق بحال الاحتضار، ۲۱۱/۱.

گشوده شد تا در پژوهش‌های دیگر، کیفیت حضور اهل بیت علیهم‌السلام در کنار محضر، گسترده‌تر بررسی شود و آثار و کارکردهای حضور اهل بیت علیهم‌السلام برای محضر مؤمن و کافر پژوهش شود و ارتباط تنگاتنگ آن با مقامات و خصائص اهل بیت علیهم‌السلام روشن گردد؛ همچنین مناسب است به پرسش‌ها و شبهات پیرامون آن پاسخ داده شود. در پایان، یادآوری این نکته ضروری است که بررسی تمایز یا یگانگی روح و جسم و چگونگی زندگانی برزخی اهل بیت علیهم‌السلام، نیازمند پژوهشی مستقل است. همچنین در بررسی دیدگاه شیخ مفید رحمته‌الله، به‌طور روشن تفاوت میان ترکیبات اجسام امامان علیهم‌السلام و ملائکه روشن نگردید؛ امری که نیازمند پژوهشی جداگانه است.



قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۳۷۸ ش.

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والاثر، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.

-----، تصحیح الاعتقادات الامامیة، تحقیق: حسین درگاهی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.

-----، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: میردامادی جمال الدین، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.

استادی، رضا، بحثی درباره تفسیر امام حسن العسکری علیه السلام، نور علم، دی ماه ۱۳۶۴، شماره ۱۳.

استرآبادی، محمد جعفر، البراهین القاطعة فی شرح تجرید الاعتقاد الساطعة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۸۲ ش.

اسماعیلی، محمد کاظم، بررسی سندی و متنی روایات حضور اهل بیت علیهم السلام در حالت احتضار با تأکید بر مقامات اهل بیت علیهم السلام، نصیری، علی و شانه چی، حسین، بنیاد امامت، ۱۳۹۴ ش.

افضلی، علی، اقسام بدن انسان و نقش آنها در دنیا، برزخ و قیامت، علوم حدیث، شماره ۵۹ و ۶۰، بهار ۱۳۹۰.

-----، راه حل فیلسوفان اسلامی در رابطه نفس و بدن، فلسفه، سال ۳۵، پاییز ۱۳۸۵ ش، شماره ۳.

-----، ماده زمان و مکان در عوالم پس از مرگ، پژوهش دینی، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش، شماره ۲۱.

-----، نقد و بررسی نظریه فیلسوفان اسلامی در مسئله رابطه نفس و بدن، فلسفه، تابستان ۱۳۸۷ ش، سال ۳۶.

امیرخانی، علی، جریان شناسی اصحاب حدیث از ابتدای شکل گیری تا دوران اقتدار اشاعره، نقد و نظر، سال هفدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱ ش.

بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۰ ش.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش.

-----، الدرر النجفیه من الملتقطات الیوسفیه، اول، شرکت دار المصطفی لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۳ ق.

-----، مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم، معارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ ق.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ق.

بغدادی، عبداللطیف، التحقیق فی الامامة و شئونها، بی جا، بی نا، بی تا.

توران، امداد، حیات پیشین انسان از دیدگاه متکلمان بغداد، تحقیقات کلامی، شماره ششم، پائیز ۱۳۹۳ ش.

حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة فی أصول الأئمة، تحقیق: محمد بن محمد الحسین القائینی، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی هلالی و علی سیری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

حلی، حسن بن سلیمان، المحتضر، تحقیق: سید علی اشرف، المكتبة الحیدریه، نجف، ۱۴۲۴ ق.

خدایاری، علی نقی، نظریه های نفس شناسی متکلمان امامی سده های میانی و کارکرد آنها در تبیین آموزه معاد، نقد و نظر، شماره ۶۱، بهار ۱۳۹۰ ش.

خواجهی، محمد اسماعیل، جامع الشتات، تحقیق: السید مهدی الرجائی، اول، بی نا، بی جا، ۱۴۱۸ ق.

خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی نا، بی جا، ۱۴۱۳ ق.

راغب، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت - دمشق، دارالقلم - دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.

رحمانی همدانی، احمد، الامام علی بن ابی طالب، ترجمه: حسین استاد ولی، اول، انتشارات منیر، تهران، ۱۳۷۷ ش.

رضائی، جعفر، جایگاه عقل در کلام امامیه در مدرسه کلامی بغداد، تحقیقات کلامی، شماره ۴، بهار ۱۳۹۳.

- سبزوری، محمد باقر، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، قم، آل البيت، ۱۲۴۷ ق.
- سلیمانی بهبهانی، عبد الرحیم و صدیقی، حسین، روش شناسی کلامی شیخ مفید، کلام اسلامی، سال ۲۳، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۹۳.
- شبر، سید عبد الله، تسلیة الفؤاد فی بیان الموت والمعاد، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۵ ق.
- ، حق الیقین فی معرفه الاصول الدین، انوار الهدی، قم، ۱۴۲۴ ق.
- شریف مرتضی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.
- ، الذخیره فی علم الکلام، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- شیرازی، محمد، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الأربعة، تهران، دار المعارف الإسلامیة، ۱۳۷۸ ق.
- الصاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، عالم الکتاب، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تحقیق: محسن کوجه باغی، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- ، بداية الحکمة، تحقیق: عباس علی زارعی سبزوری، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۸ ق.
- طبری آملی، محمد بن أبی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، نجف، المکتبه الحیدریة، ۱۳۸۳ ق.
- طبسی، محمد رضا، درر الاخبار فیما يتعلق بحال الاحتضار، نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۸۰ ق.
- طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق: احمد اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، موسسه آل البيت، بی تا.
- ، الأمالی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- عاملی، زین الدین بن علی، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۲ ه ق.
- ، روضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، تحقیق: السید محمد کلانتر، قم، مکتبه داوری، ۱۴۱۰ ق.

- عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، تحقیق: آل البيت، بیروت، آل البيت، ۱۴۱۱ ق.
- عراقی، ضیاء الدین، شرح تبصرة المتعلمین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: رسول محلاتی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: رسول محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
- فاضل السیوری، مقداد بن عبدالله، اللوامع الالهية فی المباحث الکلامية، تحقیق: قاضی طباطبائی، دوم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۲۲ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، علم الیقین فی أصول الدین، تحقیق: محسن بیدارفر، قم، بیدار، ۱۴۱۸ ق.
- ، الوافی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ ق.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامية، ۱۴۱۲ ق.
- کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، تحقیق: عبدالله نعمه، دوم، دار الذخایر، قم، ۱۴۱۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- کورانی، علی، الولادات الثلاث، بی جا، بی نا، ۱۴۳۳ ق.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۲ ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- مامقانی، عبدالله، مقیاس الهدایة، دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ، حق الیقین، تهران، انتشارات اسلامیة. بی تا.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، قم، مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.

- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- مفید، محمد بن محمد نعمان، المسائل السرویه، قم، المؤتمر العالمی لشیخ المفید، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
- ، تصحیح الاعتقادات الامامیه، تحقیق: حسین درگاهی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- مکدرموت، مارتین، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
- مهدوی راد، محمد علی و جباری، امیر عطاء الله، محمد بن سنان از ورای دیدگاه ها، حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۰۴ ق.
- نصیری، علی، حدیث شناسی ۱، نشر سنابل، قم، ۱۳۸۳ هـ ش.
- ، حدیث شناسی ۲، نشر سنابل، قم، ۱۳۸۳ هـ ش.
- هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد علیهم السلام، تحقیق: انصاری زنجانی، قم، الهادی، ۱۴۱۶ هـ.ق.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی